

## درس ۳

آزادی<sup>۲۶</sup> ← عارف قزوینی - دفتر زمانه<sup>۲۷</sup> ← فرخی یزدی

قالب شعر: غزل

درونمایه: وطن پرستی، دفاع از وطن، مبارزه با استبداد، ارزش نهادن به اندیشمندان، قناعت و بی توجهی به تعلقات دنیایی

• ناله مرغ اسیر این همه بهر وطن است

قلمرو زبانی: مسلک: روش

قلمرو ادبی: ناله: استعاره از شعر شاعر/ مرغ اسیر: استعاره از خود شاعر/ مرغ، قفس، اسیر: مراعات نظیر/ مصراع دوم: تشبیه: مسلک مرغ گرفتار قفس مانند مسلک من است.

قلمرو فکری: ناله مرغ گرفتار در قفس همه برای وطن است. روش نالیدن پرنده گرفتار در قفس به مانند ناله من شاعر زندانی است.

• همت از باد سحر می طلبم گر ببرد

خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است

قلمرو زبانی: همت: اراده؛ در بیت یاری و کمک معنی می دهد. همت: بلند نظری، وسعت نظر / همت: اراده، قصد، عزم / به طرف: کناره/ رفیقی که به طرف چمن است: دوستان آزاد من، آزادگان

قلمرو ادبی: باد سحر: تشخیص، نماد خبررسانی و پیک

قلمرو فکری: از باد سحر یاری می خواهم تا خبر من گرفتار را به دوستان آزادم برساند و آنها را از حال من آگاه سازد.

مفهوم: من با شعرم درحقیقت مردم را از حال شاعرانی آگاه می سازم که به خاطر سرودن از آزادی گرفتار شده اند.

• فکری ای هموطنان در ره آزادی خویش

بنمایید که هرکس نکند مثل من است

قلمرو فکری: ای هموطنان، برای آزادی خود و وطن خود فکری بکنید که اگر چاره ای نیندیشید، دیگران نیز مانند من به خاطر وطن، گرفتار خواهند شد.

بازگردانی: ای هموطنان، در راه آزادی خویش فکری کنید چراکه هرکس [فکری] نکند، مثل من [گرفتار] است.

• خانه ای کاو شود از دست اجانب آباد

زاشک ویران گُش آن خانه که بیت الحزن است

قلمرو زبانی: مرجع ضمیر «او» خانه است / مرجع ضمیر متصل «ش» در «کنش» «آن=خانه» است و نقش آن مفعول. آن را از اشک ویران کن. / اجانب: بیگانگان/ از دست: به دست، بیت

الحزن: خانه غم و اندوه، ماتمکده

قلمرو ادبی: خانه: استعاره از وطن

قلمرو فکری: وطن اگر به دست بیگانگان آباد شود، آن را باید با اشک ویران کرد (باید به حال آن وطن گریه کرد و تأسف خورد) که آن وطن، دیگر ماتمکده است و نه وطنی شاد و آباد.

• جامه ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن

بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است

قلمرو زبانی: جامه: لباس / بدر: پاره کن، فعل امر از مصدر دریدن / ننگ: رسوایی، بدنامی / کم: کمتر، کم ارزشتر

قلمرو ادبی: غرقه به خون شدن: کنایه از کشته و شهید شدن

قلمرو فکری: آن لباسی که بر تن داریم اگر در راه وطن غرقه به خون نگردد، باید آن را پاره کرد و دور انداخت زیرا که آن، لباس رسوایی است و بی ارزشتر از کفن است.

ارتباط معنایی با: وطن پرست دهد جان خود به راه وطن به حرف یاوه و جان دادن زبانی نیست عارف قزوینی

• آن کسی را که در این ملک سلیمان کردیم

ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است

قلمرو زبانی: مُلک: سرزمین، کشور/ آن کس: اشاره به محمدعلی شاه قاجار دارد/ اهرمن: اهریمن، شیطان

قلمرو ادبی: مصراع اول کنایه از به قدرت و پادشاهی رساندن/ سلیمان و اهریمن: تضاد/ سلیمان نماد پادشاهی و عدالت گستری و اهریمن نماد فساد و بدی. با توجه به دو قرینه «سلیمان» و

«اهریمن»، بیت تلمیح به ماجرای حضرت سلیمان دارد.

قلمرو فکری: آن کسی را که در این کشور به پادشاهی رساندیم و او را عادل می دانستیم، اکنون ملت ایران یقین حاصل کرده اند که وی اهریمن است که به جای سلیمان بر تخت نشسته است.

ارتباط معنایی با: همیشه مالک این ملک ملت است که داد / سند به دست فریدون، قباله به دست قباد عارف قزوینی

دفتر زمانه<sup>۲۷</sup>

قالب شعر: غزل

درونمایه: وطن پرستی، دفاع از وطن، مبارزه با استبداد، ارزش نهادن به اندیشمندان، قناعت و بی توجهی به تعلقات دنیایی

- هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت  
 قلمرو ادبی: کم و بیش: مجازاً وابستگی ها؛ نیازهای مادی/ مصراع دوم برای تأکید مصراع اول است با بهره گرفتن از آرایه طرد و عکس.  
 قلمرو فکری: هرگز غم و غصه کم و زیادی مال و مقام این دنیا را نداشتیم.  
 ارتباط معنایی: با: کم بیش دهر پیرنخواهد شد ای پسر تا کی امید بیشی و تا کی غم کمی؟ ناصر خسرو  
 مفهوم: آزادی و وارستگی از وابستگی ها و تعلقات مادی و دنیایی

- در دفتر زمانه فتد نامش از قلم  
 قلمرو زبانی: فتد: افتد = می افتد (مضارع اخباری)  
 قلمرو ادبی: دفتر زمانه: اضافه تشبیهی/ از قلم افتادن: کنایه از فراموش شدن/ مراعات نظیر: دفتر، قلم، صاحب قلم/ مجاز از اندیشه/ صاحب قلم: به کنایه اندیشمند، ادیب و نویسنده  
 قلمرو فکری: هر ملتی که اندیشمند نداشته باشد در طول تاریخ و روزگار فراموش می شود.

- در پیشگاه اهل خرد نیست محترم  
 قلمرو زبانی: اهل خرد: خردمندان/ فکر جامعه: منظور آرای اکثریت جامعه و انتخابات است.  
 قلمرو ادبی: پیشگاه: مجاز از دیدگاه و نظر/ جامعه: مجازاً مردم جامعه  
 قلمرو فکری: هر کسی که به رأی اکثریت جامعه احترام نگذارد و خرد جمعی را نپذیرد، در دیدگاه خردمندان، شخص محترمی نیست.

- با آنکه جیب و جام من از جام و می تهی است  
 قلمرو زبانی: ما را: حرف اضافه (برای ما)/ فراغت: آسایش  
 قلمرو ادبی: واج آرای: تکرار صامت های «ح» و «م» بیت لف و نشر مرتب دارد: لف اول: جیب/ لف دوم: جام/ نشر اول: مال/ نشر دوم: می/ جمشید جم: تلمیح به داستان جمشید  
 قلمرو فکری: با اینکه از امکانات زندگی بهره ای ندارم، اما به سبب وارستگی، به چنان آسایشی رسیده ام که حتی پادشاهی چون جمشید نداشت.  
 مفهوم: بیت بر آرامش و آسودگی خاطر و وارستگی تأکید دارد.

- انصاف و عدل داشت موافق بسی ولی  
 قلمرو زبانی: انصاف و عدل: رابطه معنایی ترادف/ موافق: همراه/ ثابت قدم: استوار  
 قلمرو ادبی: فرخی: تخلص شاعر/ عدل و انصاف موافق داشت: تشخیص و استعاره  
 قلمرو فکری: عدل و انصاف (دادگستری) پیروان زیادی دارد (بسیاری دم از عدل و انصاف می زنند)، اما مانند فرخی موافق ثابت قدم و استواری ندارد.

- چون فرخی موافق ثابت قدم نداشت

گنج حکمت<sup>۳۱</sup> خاکریز ← روایت سنگر سازان ۲- عیسی سلمانی لطف آبادی

پیام حکایت ← آشنایی با رشادت و دلاوری جهادگران و سنگر سازان بی سنگر.

در لحظات اول عملیات که خطوط دشمن شکسته شد، پشت سر نیروهای ما ارتفاعات موسوم به «کله قندی» بود که دشمن با استقرار سلاحهای زیادی، قلّه را در دست داشت. شهید ساجدی با توجه به اینکه نسبت به همه مسائل آگاهی داشت، روحیه خود را نیاخته، احداث یک خاکریز دو جداره را تنها راه حل می دانست. با توجه به امکانات محدود مهندسی و دید و تسلط دشمن، قبول و اجرای این طرح خیلی سخت بود. به ویژه که لازم بود در فاصله زمانی شب تا سپیده دم اجرا و احداث می شد ولی ایشان به اجرای این طرح ایمان داشت و با قاطعیت می گفت: «خاکریز را صبح تحویل می دهیم». عملیات احداث خاکریز شروع شد. آن شب برادران جهاد و در رأس آنها شهید ساجدی آرام و قرار نداشتند. در اولین دقایق صبح، احداث این خاکریز هشت، نه کیلومتری به پایان می رسید و خاکریزی که با کمک دو نیروی مهندسی شروع شده بود، تقریباً در وسط به هم رسیدند و اتمام خاکریز روحیه عجیبی در بین برادران جهادگر و رزمنده ایجاد کرد اما این کار شهید ساجدی را راضی نمی کرد. او پیش بینی می کرد که با توجه به تسلط دشمن بر ارتفاعات روبه رو و ارتفاعات پشت، امکان زیر آتش گرفتن بچه ها وجود دارد. به همین دلیل، مرحله دوم کار را شروع کرد. خاکریزی به طول چند کیلومتر در پشت خاکریز اول که از آن به عنوان خاکریز دو جداره یاد می شود، احداث نمود. آن روز با تدبیر حساب شده شهید ساجدی، رزمندگان توانستند در برابر نیروهای دشمن مقاومت کرده و به پیروزی برسند.

- ارتفاع کله قندی در شمال دشت استان ایلام قرار دارد که همواره بر سر آن از سوی عراق مورد نزاع بوده است.  
 شهید ساجدی: در پی کمین ضدانقلابیون و همسنگران صدام جنایتکار، در جاده های ناامن جبهه های غرب شربت شهادت را نوشید.

